

نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی

جعفر ساسان

چکیده:

در این مقاله نقش مسجد را در انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم. پیش‌زمینه‌ی هر انقلابی بسیج سیاسی توده‌هاست. به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران حوزه‌ی انقلاب، در بسیج سیاسی و سازماندهی مردم سه عنصر نقش جدی دارند: رهبری، ایدئولوژی و سازمان. بنابراین، در مقاله‌ی حاضر کارکردهای سازمانی و تشکیلاتی مسجد برای انقلاب را بررسی می‌کنیم. هرچند مسجد کارکردهای گوناگونی در جامعه دارد؛ اما به کارکردهای آن در سه حوزه‌ی رسانه‌ای-ارتباطی، حمایتی-پشتیبانی و فرهنگی-هویتی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: مسجد، انقلاب، بسیج، سازماندهی.

طرح مسئله

از دیرباز، مسجد در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته است و زیربنای شکل‌گیری تمدن اسلامی محسوب می‌شود. مسجد در نظام سیاسی-اجتماعی مسلمانان فقط کارکرد عبادی و مذهبی نداشته است؛ بلکه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... نیز داشته است.

در ایران، همزمان با ورود اسلام مسجدها شکل گرفتند و پس از آن یکی از نهادهای تأثیرگذار در زندگی مردم بودند. در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی-اجتماعی ایرانیان در دوره‌های مختلف نیز مسجدها نقش بسیار مهمی ایفا کردند؛ مانند قیام سربرداران، نهضت مشروطه، قیام گوهرشاد و انقلاب اسلامی. در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد یکی از عمده‌ترین محل‌های تجمع، اعتراض مردم و تظاهرات علیه رژیم بود.

به‌طورمعمول، در بیشتر انقلاب‌ها مکان‌های عمومی عامل تجمع افراد بودند؛ نظیر باشگاه‌ها در انقلاب فرانسه یا شبکه‌های مخفی حزبی. در انقلاب اسلامی نیز مسجدها به‌صورت آشکار همین کار را انجام می‌دادند. مسجد عمده‌ترین ابزار روحانیت بود برای ارتباط با قشرهای مختلف جامعه و انتقال ایدئولوژی

انقلاب و پیام‌های روحانیت به مردم. همچنین، عامل اصلی بسیج تاجران و بازاریان مسجدها بودند؛ به دلیل پیوند تاریخی مسجد و بازار در قیام‌ها و اعتراض‌های مردمی. بنابراین، در انقلاب اسلامی مسجد در کنار دو رکن رهبری و ایدئولوژی نقش آفرینی کرد. مسجد، در جایگاه نهاد مدنی بومی، در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای مدنی مدرن نقش بسیار مهمی ایفا کرد و قابلیت مذهب و نهادهای مذهبی را به نمایش گذاشت.

سؤال اصلی

سؤال اصلی پژوهش این است که در دوره‌ی شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۵۷) مسجدها چه نقش و کارکردهایی داشتند؟

فرضیه

فرضیه این است که در انقلاب اسلامی مسجدها سازمان‌ها و تشکیلاتی انقلابی بودند که با ارائه‌ی کارکردهای رسانه‌ای - ارتباطی، حمایتی - پشتیبانی و فرهنگی - هویتی توانستند، در غیاب سازمان‌های بسیج‌گر، مهم‌ترین نقش را در بسیج سیاسی و سازماندهی مردم بازی کنند.

مفهوم‌های پژوهش

- ۱ - **مسجد**: عبادتگاه مسلمانان است و کارکردهای گوناگونی در جامعه دارد؛
- ۲ - **انقلاب**: تغییرهای سریع، وسیع و همه‌جانبه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است و به‌طور معمول با خشونت همراه است؛
- ۳ - **بسیج**: فرایندی است که طی آن جمعیتی منفعل به جمعیتی فعال تبدیل می‌شود و با گردآوری امکان‌ها منازعه‌ی انقلابی می‌کند؛
- ۴ - **سازماندهی**: یگانگی در تعقیب منافع است از راه تأمین هویت مشترک و همبستگی.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: صلاحیت و قابلیت مسجد در جایگاه نهادی بومی و پایگاهی اجتماعی.

متغیر وابسته: بسیج سیاسی و سازماندهی مردم در انقلاب اسلامی.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری پژوهش برپایه‌ی نظریه‌های نهادگرا یا سازمان‌گراست که نقش سازمان و تشکیلات را در بسیج و سازماندهی انقلابی بررسی کرده‌اند. براساس این نظریه‌ها، موفقیت یا شکست جنبش‌های اجتماعی بستگی به آن دارد که سازمان جنبش چگونه طراحی و به کار گرفته شوند و تا چه حد در بسیج موفق باشند. یکی از این نظریه‌ها به چارلز تیلی مربوط است که در کتاب «From Mobilization to Revolution» آن را تشریح کرده است. فرض اصلی تیلی این است که عرصه‌ی سیاست چیزی جز منازعه‌ی گروه‌های مختلف بر سر قدرت سیاسی نیست و این منازعه در همه‌ی سطح‌های جامعه‌سازی جاریست. او علت‌ها و انگیزه‌های منازعه را براساس مدل جامعه‌ی سیاسی یا هیات حاکمه توضیح می‌دهد و چگونگی شکل‌گیری و انجام آن را براساس مدل بسیج. او هر گروه و جمعیتی را به حکومت، اعضای جامعه‌ی سیاسی و گروه‌های منازعه‌گر یا ائتلافی تقسیم می‌کند.^۱

وی معتقد است آنچه میزان توفیق هر یک از گروه‌ها را تعیین می‌کند عبارت است از: منبع‌های تهدید و اجبار، منبع‌های اقتصادی، منبع‌های هنجاری یا ارزشی (همبستگی و وفاداری درون‌گروهی) و دیگر منبع‌های مفید جامعه. این گروه‌ها پیوسته منبع‌های جمعی خود را برای ورود به جامعه‌ی سیاسی یا ماندن در آن بسیج می‌کنند.^۲ تیلی می‌گوید:

«مهم‌ترین عنصر هر انقلاب بسیج سیاسی توده‌ها بوده و ایدئولوژی، رهبری، تشکل و سازمان و

توده‌ی مردم مهم‌ترین ارکان هر بسیج سیاسی هستند».^۳

حال با توجه به مدل تحلیلی چارلز تیلی به ارائه‌ی کارکردها و کارویژه‌های سازمان در بسیج سیاسی می‌پردازیم که به شرح زیر است:

۱ - سازمان بایستی قادر باشد میان انقلابی‌ها با یکدیگر، انقلابی‌ها با توده‌ی مردم و این دو با رهبری ارتباط دقیق و منطقی برقرار کند. همچنین، رساندن اخبار و اطلاعات از کارویژه‌های سازمان است.

۲ - کارویژه‌ی دوم سازمان پشتیبانی مالی و تدارکاتی است؛ درواقع بسیج منبع‌ها و امکانات.

^۱ Charles Tilly, *From Mobilization to Revolution*, London: Addison Wesley (1978), P: 52

^۲ Ibid, P: 57

^۳ شجاع احمدوند، فرایند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی، در مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، نهاد رهبری، ۱۳۷۴، ص ۶۰.

۳- کارویژه‌ی سوم ایجاد همبستگی و هویت مشترک میان توده‌هاست. سازمان باید قادر باشد طیف‌های مختلف جامعه را زیر یک چتر گرد آورد. حال به بررسی عملکرد مسجدها می‌پردازیم؛ براساس این کارویژه‌ها.

۱- کارکرد ارتباطی- رسانه‌ای مسجد

برای ایجاد بسیج سیاسی باید میان اعضای جامعه ارتباط‌های سازمانی و ساختاری، هرچند ضعیف، وجود داشته باشد تا رهبران انقلابی از طریق این سازمان‌ها با اعضای جامعه ارتباط برقرار کنند و موقعیت بسیج را مهیا کنند. اگر در جامعه‌ای هیچ نوع نهاد یا سازمان اجتماعی وجود نداشته باشد، مردم پراکنده باشند و هیچ نوع ارتباط درونی میان اعضای جامعه در قالب گروه‌های اجتماعی وجود نداشته باشد، رهبران انقلابی قادر به بسیج نخواهند بود؛ به دلیل نداشتن ارتباط با توده‌ها. در نتیجه، باید کمترین میزان از نهادها و سازمان‌های ارتباطی وجود داشته باشد تا امکان بسیج فراهم شود.

حال که ضرورت ارتباط در بسیج و انقلاب انکارناپذیر است، باید دید مسجد چه نقشی در این زمینه ایفا کرده است. آیا در عصری که عصر انقلاب ارتباط‌ها و به تعبیر مک لوهان «دهکده‌ی جهانی» نام گرفته است، مسجد می‌تواند با قدمتی ۱۴۰۰ ساله با رسانه‌های ارتباطی نو رقابت کند؟

در پاسخ به این سؤال‌ها نخست نگاهی به وضعیت رسانه‌های نو- مکتوب، دیداری و شنیداری - و ورود آن‌ها به ایران می‌اندازیم و سپس برای مقایسه‌ی مسجد با آن‌ها، کارویژه‌های ارتباطی مسجد را در بسیج سیاسی بررسی می‌کنیم.

ورود رسانه‌ها به ایران و نفوذ مسجد بر مردم

از ورود رسانه‌های جدید به ایران حدود دو قرن می‌گذرد. در دهه‌ی اول قرن نوزدهم رسانه‌های چاپی وارد ایران شدند که با سلطه‌ی حکومت قرین شدند. حکومت قاجار، به‌ویژه در دوره‌ی ناصرالدین شاه، سعی کرد با اعمال انحصار، کنترل و سانسور در این رسانه‌ها آن‌ها را ابزار ارتباطی خود کند. ظهور تلگراف در اوایل دهه‌ی ۱۸۶۰ میلادی در ایران نیز سبب تحول‌های بسیاری شد. این کانال ارتباطی که برای تحقق هدف‌های امپریالیستی و استعماری بریتانیا در ایران توسعه یافته بود، به تقویت حکومت مرکزی در داخل و توسعه‌ی هدف‌های استعماری منجر شد. بدین ترتیب، در اواخر قرن نوزدهم این دو رسانه‌ی مهم در تقابل

با مردم، فرهنگ و اعتقادهای آن‌ها قرار گرفتند.

با روی کار آمدن حکومت پهلوی، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید ارتباطی، علاوه بر مطبوعات و تلگراف، در دستور کار قرار گرفت؛ نظیر رادیو. با تأسیس خبرگزاری پارس، وسیله‌های ارتباط اجتماعی به انحصار کامل دولت درآمد. این سیاست‌ها در دوران محمدرضا شاه نیز ادامه یافت و با تأسیس تلویزیون، در سال ۱۳۳۹، این رسانه‌ی جدید نیز به رسانه‌های قبلی اضافه شد. سیطره‌ی کامل رژیم پهلوی بر رسانه‌ها و ترویج ایده‌ها و الگوهای مورد نظر رژیم - که با فرهنگ بیشتر افراد جامعه همخوانی نداشت - باعث شد که کانال‌های ارتباطی سنتی مستقل از کانال‌های ارتباطی مدرن فعالیت کنند. در نتیجه، نیازهای ارتباطی جامعه از طریق کانال‌های سنتی تأمین می‌شد. این امر به‌ویژه پس از قیام ۱۵ خرداد جدی‌تر شد؛ با ظهور امام خمینی (قدس سره) که رهبر نهضت بود و مسجدها که پایگاه نهضت اسلامی بودند.

یکی از دلایل‌های موفقیت مسجد بهره‌گیری از ارتباط چهره‌به‌چهره بود که با توجه به فرهنگ شفاهی جامعه‌ی ایران بسیار تأثیرگذار بود. ویلیام هاکنن با بررسی تجربه‌ی ارتباط‌های سنتی درباره‌ی انقلاب اسلامی می‌گوید:

«آنچه در ایران روی داد، بی‌سابقه بود؛ چون از ارتباطات چهره‌به‌چهره، ارتباطات سنتی،

راهپیمایی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه برای خدمت به انقلاب استفاده می‌شد».^۴

دلیل دیگر به مسئله‌ی مشروعیت رسانه‌ها و پذیرش مردمی آن‌ها برمی‌گردد. با توجه به اینکه رسانه باید حامل پیامی برای مخاطب باشد، هرچه این پیام با فرهنگ و اعتقاد جامعه تناسب بیشتری داشته باشد، پذیرفتنی‌تر خواهد بود. در حالی که رسانه‌های نو از ابتدا با طراحی بیگانگان وارد ایران شده بودند، در ادامه نیز مروج فرهنگ بیگانه بودند و در نتیجه مشروعیت چندانی در جامعه نداشتند. اما مسجد قدمتی ۱۴۰۰ ساله داشت و حامل پیام اسلامی و مروج اعتقادهای جامعه بود؛ در نتیجه مشروعیت زیادی در جامعه‌ی ایران داشت. به گفته‌ی حمید مولانا:

«مسجد در جامعه‌ی اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به‌عنوان منبع

حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل می‌نمود و نه تنها در بعد تزکیه‌ی معنوی، که به‌عنوان منبع

^۴ ناصر باهنر، رسانه‌ها و دین، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۵، ص ۶۸.

دانش و اطلاعات مربوط به جامعه آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است».^۵

انقلاب اسلامی، از دیدگاه فرهنگ و ارتباط، واکنشی علیه جریان غالب در رسانه‌های مدرن ارتباطی بود که در اثر آن نیز ارتباط‌های سنتی بر کانال‌های مدرن ارتباطی پیروز شد.

«این واقعه‌ی مهم نشان داد که در کشورهای اسلامی، به‌ویژه در ایران، رسانه‌های سنتی، هم گفتاری و هم مکتوب، نه تنها در مقابله و رویارویی با رسانه‌های جدید وجود و اهمیت خود را از دست نداده‌اند، بلکه با مشروعیت ویژه‌ای که در جامعه دارند، تحرک بیشتری در دو دهه‌ی اخیر پیدا کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران نشانه‌ی بارز آن در عصر حاضر است؛ زیرا این انقلاب مرهون تحرک و ابتکار زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی سنتی بوده و می‌باشد».^۶

دلیل دیگر موفقیت رسانه‌ای مسجد، بهره‌گیری از رسانه‌های نو در جهت هدف‌های انقلاب بود. در واقع، مسجد در جایگاه پایگاه و منبع ارتباط‌های انقلابی، هم رسانه‌های نسل اول یا رسانه‌های شفاهی و چهره‌به‌چهره را در اختیار داشت، هم موعظه و خطابه یا رسانه‌های نسل دوم و سوم را؛ مانند کتاب، جزوه، اعلامیه و کاست‌هایی که حاوی پیام‌های رهبر انقلاب بود. مسجدها توانستند از ترکیب رسانه‌های گوناگون میان رهبری و توده‌ها ارتباط برقرار کنند. آلون تافلر در کتاب «جابجایی در قدرت» می‌نویسد:

«درک این مطلب که مذهب سازمان‌یافته، صرف‌نظر از هر چیز دیگری که باشد، رسانه‌ای است انبوه، کمک می‌کند تا بسیاری از جابه‌جایی‌های قدرت معاصر را تبیین کنیم».

سپس در مورد انقلاب اسلامی می‌نویسد:

«در ایران، آیت‌الله خمینی نفرت طبقاتی و خشم ملی‌گرایانه را با شور مذهبی درآمیخت. عشق به الله، به‌علاوه‌ی نفرت از امپریالیسم و به‌علاوه‌ی مخالفت با سرمایه‌داری انقلابی که خاورمیانه را به کانون بالقوه‌ی جنگ و درگیری تبدیل ساخت».

و ادامه می‌دهد:

«اما آیت‌الله خمینی به‌کاری بیش از ترکیب این سه عنصر در یک حرکت پرشور واحد دست زد. وی همچنین رسانه‌های موج اول، یعنی موعظه‌های چهره‌به‌چهره‌ی روحانیون برای مؤمنان را با

^۵ همان، ص ۴۱.

^۶ حمید مولانا، گذر از نوگرایی، ترجمه‌ی یونس شکرخواه، تهران، مرکز تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱، ص ۸۵.

تکنولوژی موج سوم ترکیب کرد. نوارهای صوتی حاوی پیام‌های سیاسی که در مساجد به‌طور مخفی توزیع می‌گردید و در همان‌جا پخش می‌شد و به کمک دستگاه‌های ارزان‌قیمت تکثیر می‌گردید. شاه برای مقابله با آیت‌الله خمینی از رسانه‌های موج دوم، یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون، استفاده می‌کرد. به محض اینکه آیت‌الله خمینی توانست شاه را سرنگون کند و کنترل دولت را در دست گیرد، فرماندهی این رسانه‌های متمرکز موج دومی را نیز در اختیار گرفت.^۷

یکی دیگر از عامل‌های موفقیت ارتباطی مسجد مصونیت در برابر حمله‌های رژیم بود. در حالی که رژیم شاه با نهادها و سازمان‌های مدرن به شدت برخورد می‌کرد و اجازه‌ی اظهار وجود به آن‌ها نمی‌داد، مسجد به دلیل قداست و حمایت مردمی از تعرض مصون بود و مبارزان مذهبی می‌توانستند در پوشش مذهب فعالیت‌های انقلابی را نیز پیگیری کنند.

حسنین هیکل در این باره می‌نویسد:

«در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می‌خورد که قدرت قادر به دسترسی بدان نمی‌باشد و آن‌ها نهاد مسجد است. با این نهاد نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد؛ زیرا انجام چنین عملی به مثابه‌ی توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جانشان از مسجد دفاع می‌کنند. مذهب به گرد زندگی مردم عادی یک حصار امنیتی می‌کشد که مسجد و قرآن سمبل‌های آن به شمار می‌روند».^۸

در نهایت، باید گفت که گستردگی شبکه‌ی مسجدها در سراسر کشور، از بزرگ‌ترین شهرها تا روستاها، این امکان را به وجود آورده بود که پیام‌های انقلابی به راحتی در سراسر کشور پخش شود و همه‌ی مردم با موعظه‌های انقلابی و پیام‌های رهبر انقلاب در ارتباط باشند. جان‌دی. استمپل از کارشناسان سفارت آمریکا می‌نویسد:

«یک جنبه‌ی مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده‌ی سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش بوده است. درک شور ۳۵ میلیونی ایران، تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا

^۷ آلون تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه‌ی شهیندخت خوارزمی، چ چهارم، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۴۳.

^۸ حسنین هیکل، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه‌ی حمید احمدی، تهران، الهام، ۱۳۶۳، ص ۲۳۶.

۲۰۰ هزار روحانی وجود دارد و سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر از طریق شبکه‌ی مساجد انجام می‌گرفت.^۹

در نتیجه، مسجد به دلیل‌هایی که ارائه شد توانست پایگاه رسانه‌ای و ارتباطی جریان‌های مخالف رژیم باشد و تنها نهاد مستقل از دولت و تنها گزینه‌ی ممکن برای بسیج مردم باشد. در واقع، کارکرد رسانه‌ای مسجد در ارتباط با دو رکن دیگر انقلاب نیز بسیار مهم بود؛ یعنی رهبری و ایدئولوژی. زیرا از طرفی پایگاه ارتباطی مردم و رهبری انقلاب مسجد بود و در طول سال‌های تبعید حضرت امام (قدس سره) قطع نشد و از طرف دیگر ایدئولوژی انقلاب از طریق مسجد گسترش می‌یافت که از اندیشه‌ی سیاسی شیعه الهام گرفته بود.

۲- کارکرد حمایتی پشتیبانی مسجد

از جمله شرط‌های موفقیت یک گروه مخالف در منازعه با حکومت آن است که به لحاظ مادی به نظام حاکم وابستگی نداشته باشد. هر نهضتی برای سازماندهی و اقدام‌های انقلابی نیازمند منابع‌های مالی فراوانی است؛ زیرا در هر انقلابی عده‌ی زیادی درگیر مبارزه می‌شوند و همچنین مقدار زیادی اقدام‌های پنهان انقلابی وجود دارد که باید از لحاظ مالی تغذیه شود.

در بسیاری از کشورهای انقلابی، گروه‌های مبارز خرج‌های خود را از طریق سرقت یا کمک‌های اعضای خود تأمین می‌کنند. روش اول در میان چریک‌های انقلابی رایج‌تر است؛ اما با توجه به اینکه ایدئولوژی انقلاب اسلامی متکی بر دین اسلام بود، این روش‌ها در آن جای نداشت. البته درباره‌ی مسجدها چنین نیازی وجود نداشت؛ زیرا نهاد مذهب در ایران استقلال خود را حفظ کرده بود و اتحاد مسجد با بازار مهم‌ترین عامل این استقلال بود. بازار در جامعه‌های اسلامی، به خصوص در کشورهای شیعه، ارتباط نزدیکی با محفل‌های دینی داشته است؛ از قبیل حوزه‌های علمیه، مسجدها و هیئت‌های مذهبی. این نزدیکی و آمیختگی فقط به بعد فیزیکی و کالبدی منحصر نبود؛ بلکه فراتر از آن نوعی همبستگی و تجانس فکری فرهنگی میان بازار و مسجد در صف‌بندی‌های اجتماعی - سیاسی تشکیل می‌داد. برخی معتقدند که پیوند میان این دو نهاد فراتر از ارتباط آن‌ها با سایر قشرها و نهادها بوده است؛ از جمله با نهاد حکومت یا ارگ. تبلور این پیوند و اتحاد را می‌توان در تاریخ جنبش‌های سیاسی - اجتماعی دو بیست سال اخیر ایران به خوبی

^۹ جان.دی. استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه‌ی منوچهر شجاعی تهران، رسا، ۱۳۷۸، ص ۶۸.

مشاهده کرد. براساس مستندهای تاریخی، در هیچ یک از جنبش‌های تاریخ معاصر ایران - همچون جنبش تنباکو، قیام مشروطه و انقلاب اسلامی - این دو نهاد مقابل یکدیگر قرار نگرفته‌اند؛ بلکه در همه‌ی صف‌بندی‌ها جبهه‌ی واحدی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی بودند. براین اساس، قصد داریم به ریشه‌های تاریخی این اتحاد پردازیم و نقش آن را در بسیج مردمی در انقلاب اسلامی بررسی کنیم.

اتحاد مسجد و بازار در ایران

مسجد و بازار دو نهاد از نهادهای اجتماعی هستند که نخست در شهرها پدید آمدند. کارکرد و موقعیت ظهور این دو نهاد به‌گونه‌ای بوده است که از اساس جز در اجتماع‌های شهری امکان وجود و تداوم نداشتند. احمد اشرف در مورد وضعیت کالبدی و فضایی شهرهای اسلامی می‌گوید:

«شهر اسلامی به‌لحاظ کالبدی متشکل از سه رکن اصلی ارگ، مسجد جامع و بازارها بوده است که محل استقرار و جایگاه عناصر متشکل اجتماع شهری، یعنی عمال دیوانی، علما و بازاریان بوده است».^{۱۰}

ساخت کالبدی شهرهایی که فرمانروایان مسلمان، در دوره‌ی اسلامی، بنیان نهادند نیز به‌خوبی حضور برجسته‌ی این دو نهاد را نشان می‌دهد. احمد اشرف می‌نویسد:

«شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذاردند دو پایه‌ی اصلی داشت، یکی مسجد جامع و دیگری بازار. مساجد جامع در شهرها همواره دو کارکرد سیاسی و مذهبی داشت و عموماً در کنار مقر فرمانروایان و والیان قرار داشت و بعضاً مرکز اجتماعات سیاسی و رسمی هم بوده است و معمولاً در کنار آن مدرسه‌ی علمیه‌ی شهر واقع بود و بالاخره بازار که آن را احاطه می‌کرد».^{۱۱}

مدینه که در دوره‌ی اسلامی درمقابل شهرستان به کار می‌رفت، گذشته از موفقیت دیوانی نقش مذهبی مهمی نیز داشت. از این رو، مسجد آدینه یا مسجد جامع به‌تدریج به یکی از رکن‌های اصلی جامعه‌های شهری بدل شد؛ تاجایی که شاخصه‌ی تمیز تجمع‌های شهری از اجتماع‌های غیرشهری وجود مسجد جامع بود. بدین معنی که استقرار مقام‌های مذهبی و برپایی مسجد آدینه و اقامه‌ی نماز جمعه در سکونتگاه مستلزم آن بود که جمعیت ثابت آن ناحیه تا میزان معینی افزایش یابد.

^{۱۰} احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، دوره‌ی قاجاریه، تهران، پیام، ۱۳۵۹، ص ۲۳.

^{۱۱} همان، ص ۱۸ و ۱۹.

با اینکه ارگ، در کنار مسجد و بازار، یکی از سه نهاد عمده‌ی شهری بود؛ اما اعمال دیوانی در یک ویژگی شاخص با علما و بازاریان تفاوت داشتند و آن خاستگاه اجتماعی آنان بود. علما و بازاریان بیشتر خاستگاه شهری داشتند؛ اما اعمال دیوانی، هر چند که در شهرها اقامت داشتند، بیشتر تبار ایلداری داشتند و خاستگاه غیرشهری آنان مشهود بود. شاید یکی از دلیل‌های اتحاد و نزدیکی مسجد و بازار یا علما و بازاریان در مقابل حکومت‌ها همین یگانگی ریشه و خاستگاه اجتماعی آنان باشد.

همبستگی مسجد و بازار در ایران نیز در دوره‌های مختلف تاریخی وجود داشته است و این امر به‌ویژه با ورود استعمار به ایران پررنگ‌تر شد. در دوران حاکمیت سلسله‌ی قاجار، نحوه‌ی تعامل دولت با علما و اعطای امتیازهای اقتصادی به بیگانگان باعث شد نه تنها پای طرف خارجی به مناسبت‌های قدرت در ایران باز شود، بلکه دو طرف دیگر مسئله نیز در موضع تخصصی با دولت قرار بگیرند؛ یعنی مسجد و بازار. نمونه‌ی بارز این صف‌بندی جنبش تحریم تنباکو بود که در آن مسجد و بازار در یک صف واحد در مقابل شاه و طیف خارجی قرار گرفتند. استمرار این صف‌بندی به نهضت مشروطه منجر شد که برای اولین بار اقتدار پادشاه را به‌چالش کشید.

اتحاد مسجد و بازار در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و با توجه به سیاست‌های رژیم شاه موجب نزدیکی بیشتر این دو نهاد شد؛ سیاست‌هایی نظیر نوسازی به‌سبک غربی، ترویج ابتدال و بی‌بندوباری در جامعه، زیر فشار گذاشتن قشرهای مذهبی و به‌ویژه بازاریان. این اتحاد باعث شد که در انقلاب اسلامی بازاریان و بازار، به‌مثابه‌ی هادی سنتی، نقش به‌سزایی ایفا کنند؛ چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ سیاسی. از لحاظ سیاسی موقعیت بازار و جمعیت آن نقش مهمی در شکل‌گیری تظاهرات مردمی داشت. بازاریان گروهی از اجتماع سنتی شهرنشین بودند که چند هزار مغازه داشتند و همچنین با جمعیت زیادی از مردم در ارتباط بودند. هرگاه اتفاقی می‌افتاد، آن‌ها بازار را می‌بستند و در مسجدها تجمع می‌کردند. تعطیلی بازار باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می‌شد و تا حدی زمینه‌ی شکل‌گیری تظاهرات مردمی را فراهم می‌کرد. میثاق پارسا می‌نویسد:

«تنها کانال بسیج بازاریان در اتحاد با سایر گروه‌ها مساجد بودند».^{۱۲}

«مساجد محل امنی برای بازاری‌ها فراهم کرده بودند تا گردهم آیند و به مخالفت با رژیم پرداخته

^{۱۲} Misagh parsa, social origin of Iranian Revolution, Rutgers university press, (۱۹۸۹) P: ۹۴

و فشارهای حکومت را افشا کنند».^{۱۳}

ازلحاظ اقتصادی نیز بازار نقش مهمی در پشتیبانی از مبارزه‌های انقلابی و انقلابی‌ها داشت که می‌توان به موردهای زیر اشاره کرد:

۲- ۱- ساخت مسجد و مکان‌های مذهبی

بسیاری از مسجدها و حسینیه‌ها شهرهای بزرگ در کنار بازار ساخته می‌شد و بازاریان در ساخت آن نقش داشتند. ساخت حدود پنجاه مسجد کوچک و بزرگ در محدوده‌ی بازار تهران، در دوره‌های مختلف، دلیلی بر این مدعاست. برخی از این مسجدها نیز به نام بانیان آن‌هاست؛ مانند مسجد جلیلی، مسجد سید عزیزالله، مسجد لباسچی، مسجد حاج علی اکبر بزاز، مسجد حاج رضا همدانی، مسجد حاج حسین بلورفروش و... .

۲- ۲- تأسیس و راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه و حمایت از مبارزه

تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه در بازار یا مسجدها و کمک بازاریان به آن‌ها یکی از راه‌های حمایت بازار از نهضت انقلابی ایران بود. در این رابطه سندهایی نیز وجود دارد:

«یکی از صندوق‌هایی که به افراد محتاج قرض می‌دهد و آن‌را با قسط ماهیانه دریافت می‌کند، صندوق قرض‌الحسنه‌ی جاوید واقع در خیابان خسروی‌نو و صندوق دیگری در بازار سرای محمدیه است که بیشتر به طلاب و روحانیون وام می‌دهد و ظاهراً اساس تشکیل این صندوق بر همین مبنا بود. در این صندوق چند نفر از بازاری‌ها و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و شیخ ابراهیم طالبیان نظارت دارند».^{۱۴}

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در خاطره‌های خود می‌نویسد:

«ضمناً بنیاد خیریه‌ی رفاه را هم درست کردیم که پوشش خوبی بوده برای حل مشکلات کسانی که در جریان مبارزه آسیب می‌دیدند. صندوق‌های قرض‌الحسنه را هم تشویق کردیم که هم

^{۱۳} Ibid , P : ۱۲۵

^{۱۴} مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب پنجم، شهید هاشمی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۵۹۹.

پوشش خوبی برای همان کارهای امدادی سیاسی و هم راهی برای حضور بیشتر در مساجد و بهره‌گیری بیشتر از آنها به عنوان پایگاه مبارزه».^{۱۵}

۲-۳- پرداخت هزینه‌های مذهبی و حوزه‌های علمیه

باتوجه به اعتقادهای مذهبی بازاریان، آنها خود را ملزم می‌دانستند تا وجه‌های شرعی به علما و حوزه‌های علمیه پرداخت کنند. اگر آنها از پرداخت مالیات به دولت سرباز می‌زدند، ولی در پرداخت وجه‌های شرعی بسیار مقید بودند. استمپل می‌نویسد:

«به‌هرحال بازار و مسجد همیشه با یکدیگر همکاری داشته‌اند. هزینه‌های حوزه‌های علمیه و نیز تا

۸۰ درصد هزینه‌ی گذران زندگی روحانیون توسط همین تجار تامین می‌گردد».^{۱۶}

موردی که بیان شد نشان‌دهنده‌ی نزدیکی و پیوند مسجد و بازار است و تأثیر این دو نهاد در پیروزی انقلاب اسلامی. در حالی که بازاریان نیازهای فکری، فرهنگی و عقیدتی خود را از طریق مسجدها برطرف می‌کردند، با کمک‌های خود نیز نیازهای مسجدها را برطرف می‌کردند و مبارزه‌های مردمی را از طریق مسجدها وسعت می‌بخشیدند.

۳- کارکرد فرهنگی - هویتی مسجدها

همان‌طور که اشاره شد، یکی از کارکردهای سازمان در جریان بسیج سیاسی و سازماندهی توده‌های انقلابی ایجاد فرهنگ و هویت مشترک و بسیج عقیدتی و ارزشی است. سؤال این است که کارویژه‌های مسجد در ایجاد فرهنگ و هویت مشترک چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به این موردها اشاره کرد:

۳-۱- رابطه مسجد با روحانیت

رابطه‌ی مسجد و روحانیت رابطه‌ی دیرینه‌ای است. گرچه از ابتدای ظهور اسلام و تأسیس مسجد مردم با

^{۱۵} اکبر هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، خاطرات، تصویرها، اسناد تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶؛ ص ۲۳۳.

^{۱۶} استمپل، همان، ص ۶۹.

حضور در آنجا و دیدار با پیامبر سؤال‌ها و مشکلات خود را در میان می‌گذاشتند و آنجا مرکز همه‌ی فعالیت‌های جامعه‌ی اسلامی بود؛ اما با گذشت دوران اولیه و گسترش علم فقه و حدیث کم‌کم جریان‌های علمی در جامعه‌ی اسلامی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت و روحانیت در مقام کارگزاران مذهب و وظیفه‌ی ارشاد و راهنمایی مردم و آموزش تعلیم‌های اسلامی را برعهده گرفتند. با فاصله گرفتن حکام از تعلیم‌های دین و مسجد و تأسیس دارالحکومه، نهادهای مستقل مسجدهای مردمی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. در ایران، به‌ویژه از دوره‌ی صفویه و با دعوت از روحانیان سایر کشورها، طبقه‌ی جدیدی از روحانیت شکل گرفت که انسجام و تشکیلات داشت و بسیاری از امور مردم به‌عهده‌ی آنان بود؛ از جمله آموزش، قضاوت، امور ثبتي و مالي.

در تاریخ سیاسی ایران، روحانیان توانستند در قیام‌های ضداستبدادی و ضداستعماری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند. دکتر ازغندی معتقد است که:

«روحانیون در مقایسه با سایر اقشار و نیروهای اجتماعی و تشکلهای سیاسی، سازمان‌یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه‌ی ایران را تشکیل می‌دهند. روحانیون منابع قدرت متعددی داشتند. اولین و مهم‌ترین کانونی که روحانیون از آنجا اعمال قدرت می‌کردند مساجد است».^{۱۷}

بنابراین، بهره‌گیری روحانیت از مسجدها باعث شد که در جریان انقلاب اسلامی، همانند صدر اسلامی، مسجدها در جایگاه پایگاه و تشکیلات مبارزه ایحاء شوند و نقش آفرینی کنند. در این بین نقش امام خمینی (قدس سره) در مقام احیاگر مسجدها در عصر حاضر نیز بسیار تأثیرگذار بود. وی در همه‌ی مرحله‌های مبارزه قشرهای مختلف جامعه را به بهره‌گیری از مسجد و احیای مجدد آن دعوت می‌کرد که باعث شد گرایش مردم به مسجدها بیشتر شود. روحانیان و وعاظ نیز با طرح مسئله‌های سیاسی مسجدها را از جنبه‌ی عبادی صرف خارج کردند.

۳-۲- مسجد و تحول اندیشه‌ی دینی

یکی از اتفلاق‌های نادری که در جریان انقلاب اسلامی رخ داد و در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بود، حضور روشنفکران مذهبی غیرروحانی در مسجدها بود همراه با روحانیان. در گذشته منبر و خطابه مختص

^{۱۷} علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۳۰ - ۱.

روحانیان بود؛ اما در دوره‌ی انقلاب و با دعوت روحانیت روشن‌بین و آگاه، پای متفکران مذهبی و دانشگاهی به مسجدها باز شد و باعث شد تحولی جدی در عرصه‌ی اندیشه‌ی دینی به‌وجود آید. شاید یکی از دلیل‌های این کار تجربه‌آموزی روحانیان از نهضت مشروطه باشد. در جریان مشروطه، درحالی‌که مردم و روحانیت از پایگاه مسجد به مقابله با استبداد پرداخته بودند، روشنفکران در محفل‌های سری و انجمن‌ها فعال بودند و مسیر دیگری را دنبال می‌کردند. نهضتی که با رهبری روحانیت، همراهی مردم و از پایگاه مسجدها شروع شد؛ ولی درنهایت به کژراهه رفت و از سفارت انگلیس سردرآورد. قیام‌ها و تلاش‌های مردم و روحانیت به انحراف کشیده شد و به روی کارآمدن رضاخان و شکل‌گیری استبداد در ایران انجامید.

بهره‌گیری علمای آگاه و روشن‌بین، همچون آیت‌الله طالقانی، شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید بهشتی از توانایی فکری و علمی روشنفکران مذهبی، نظیر دکتر شریعتی، مهندس بازرگان، باعث شد که اتحاد نیروهای مذهبی بیشتر شود، چهره‌ی جدیدی از اسلام معرفی شود و غبار تحجر از چهره‌ی دین زدوده شود. بهره‌گیری ایدئولوژیک از مکتب تشیع در مقام راهنمای عمل انقلابی باعث شد که جوانان دانشگاهی و فعالان انقلابی به سلاح فکری جدیدی مجهز شوند و درمقابل تفکرهای مارکسیستی قد علم کنند و درنهایت گفتمان سیاسی شیعه گفتمان پیروز شد.

۳-۳- مسجد و حفظ هویت دینی جامعه

هویت به‌منزله‌ی شناسنامه‌ی ملی جامعه است و شخصیت آن جامعه را معرفی می‌کند. هویت دینی در جامعه‌ی ایران گسترش و عمق زیادی دارد و تاکنون تلاش‌های مخالفان دین نتوانسته است آن را کمرنگ کند. دکتر نقیب‌زاده می‌نویسد:

«هویت مذهبی گسترده‌ترین (از نظر تعداد باورمندان و ژرف‌ترین) از نظر ذهنی و همچنین

اجتماعی هویتی است که در بین ایرانیان وجود دارد».^{۱۸}

سیاست‌های اسلام‌زدایی رژیم شاه که هویت دینی جامعه را نشانه گرفته بود باعث شد علما به فعالیت‌هایی دست بزنند؛ از جمله توسعه‌ی نهادهای مذهبی و تأسیس مسجدها. اوج فعالیت‌های رژیم در

^{۱۸} . احمد نقیب‌زاده، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، وزارت خارجه، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴.

قالب برنامه‌ی به اصطلاح انقلاب سفید بود. هدف رژیم از این اقدام حرکت در مسیر تعیین شده از سوی آمریکا و غرب‌گرایی هرچه بیشتر بود.

«در پی انقلاب سفید، شاه سکولاریزه و غربی کردن جامعه را با تأکید بر فرهنگ قبل از اسلام ایران (تا یک اساس ایدئولوژیکی برای حکومت فردی وی تهیه کند) سرعت بخشید و کوشید تا نهادهای مذهبی را در اختیار خویش گیرد».^{۱۹}

این اقدام‌های رژیم به واکنش شدید علما، مردم و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ منجر شد؛ به رهبری امام خمینی. اما رژیم با اقدام‌های دیگر در پی زدودن مظهرهای دینی و فرهنگی اسلام از ایران بود و سعی داشت هویت دینی جامعه و از طرفی تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلام را کم‌رنگ کند؛ از جمله با جشن‌های شاهنشاهی، تغییر تقویم هجری و... در حالی که همه‌ی توان رژیم در این راه به کار گرفته شده بود و همه‌ی محفل‌ها و جمع‌ها، از جمله رسانه‌ها، احزاب دولتی و...، در این راستا قدم برمی‌داشتند؛ اما نیروهای مذهبی در جبهه‌ی مقابل بودند و با رهبری علمای دینی و روشنفکران مذهبی و از طریق مسجدها، هم به نفی اقدام‌های رژیم پرداختند و هم در پی اثبات و ارائه‌ی فرهنگ اسلامی به زبان روز بودند.

۴ - مسجد و جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که در آن جامعه فرهنگ سیاسی خود را دائمی می‌کند یا روندی است که با آن فرهنگ سیاسی شکل می‌گیرد، باقی می‌ماند و تغییر می‌کند. در کشور ایران، با توجه به اکثریت مسلمان جامعه و حاکم بودن فرهنگ شفاهی و چهره‌به‌چهره، یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری مسجدها و نهادهای مذهبی هستند. بدیهی است که مذهب می‌تواند عامل بسیار مهمی در جامعه‌پذیری افراد باشد؛ ولی در جامعه‌ها و دین‌های مختلف تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در اسلام، مسجد نقش اساسی در جامعه‌پذیری دارد؛ با ارائه‌ی کارکردهای عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... تقابل فرهنگ سیاسی شیعه که از طریق مسجدها، حسینیه‌ها و تکیه‌ها تبلیغ می‌شد با فرهنگ سیاسی رژیم پهلوی، باعث تحول شگرفی در فرهنگ سیاسی ایرانیان شد، مشروعیت رژیم را زیر سؤال برد و زمینه‌ی انقلاب را فراهم کرد.

^{۱۹} محمد امجد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری، ترجمه‌ی، حسین مفتخری، چ ۱، تهران، باز، ۱۳۸۰، ص ۸۱.

۵ - مسجد و حفظ همبستگی در جامعه

یکی از ویژگی‌های مسجدها که در انقلاب اسلامی نیز جلوه گر شد، این بود که همه‌ی قشرهای جامعه، از هر صنف و گروه، به مسجد می‌آمدند و از برنامه‌های آن استفاده می‌کردند. از آنجا که مسجد خانه‌ی خداست و به هیچ گروه، طبقه و حزب خاصی وابستگی ندارد، در آن همیشه به روی مردم باز است و هر کس می‌تواند متناسب با نیاز خود از برنامه‌های مذهبی، سیاسی، آموزشی و... آن استفاده کند. ورود به مسجد نه کارت عضویت می‌خواهد و نه هیچ ویژگی خاصی؛ از جمله سن، جنس، سطح سواد، طبقه‌ی اجتماعی و... این ویژگی منحصر به فرد باعث شده است که مسجد در مقایسه با نهادهای سیاسی - اجتماعی مدرن جذابیت بیشتری داشته باشد؛ از جمله حزب‌ها، تشکلهای سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و... نیکی کدی درباره‌ی استفاده قشرهای گوناگون از مسجدها می‌نویسد:

«طبقه‌ی وسیعی از تحصیل کرده‌ها، دانشجویان، طبقه‌ی سیاسی جدید و تهی‌دستان شهر تحت تأثیر و سازماندهی مساجد، ستون فقرات سیاست نوین مردمی را فراهم ساختند».^{۲۰}

بنابراین، حضور همه‌ی قشرهای جامعه در مسجدها باعث یکدلی و اتحاد بیشتر مردم شد و زمینه‌ی قیام و انقلاب را فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که در این پژوهش به دست آمد بیانگر این است که در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجدها هر چند در جایگاه نهادی سنتی بودند و قدمتی ۱۴۰۰ ساله داشتند؛ اما با ارائه‌ی کارکردهای متناسب با نیاز روز جامعه توانستند گوی سبقت را از نهادهای مدرن و وارداتی برابند و همچون ستون فقرات و سازمان انقلاب ایفای نقش کنند.

این کارکردها به‌ویژه در سه حوزه‌ی رسانه‌ای - ارتباطی، حمایتی - پشتیبانی و فرهنگی - هویتی باعث شد که فرهنگ و ایدئولوژی انقلابی شیعه به گفتمان رایج در جامعه بدل شود و انقلابی اسلامی در ایران شکل بگیرد. انقلابی که هر چند در عصری مدرن و در زمانه‌ی به‌حاشیه‌رفتن دین از سیاست و اجتماع شکل

^{۲۰} نیکی. آر. کدی، بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، ترجمه‌ی حسینعلی نودری، روزنامه‌ی ایران، ش ۴۶۵، تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۸، ص ۶.

گرفت اما از همه‌ی نهادها بهره جست و شگفتی صاحب‌نظران و تحلیل‌گران مسئله‌های سیاسی را برانگیخت.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد